نام: محمدرضا
نام‌خانوادگی: مغزیان
نام پدر: محمد
تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۳/۸
محل تولد: اصفهان
تحصیلات: دیپلم
وضعیت تأهل: مجرد
عضویت: سپاه – ۱۳۵۸/۲
مسئولیت: معاون اطلاعات قرارگاه حمزه سیدالشهداء(ع)
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱/۲۶
محل شهادت: سقز
نحوه شهادت: تصادف
محل دفن: گلستان شهدای اصفهان

محمدرضا هشتم خردادماه سال ۱۳۴۰ در محله مسجد سید اصفهان به دنیا آمد.

دوره ابتدایی را در دبستان هراتی و راهنمایی را در مدرسه حاتم‌بیک گذراند. دبیرستان را هم در مدرسه صارمیه شروع کرد.

در دبیرستان با اکبر آقابابایی، سید محسن غرضی و محمودرضا جهانگیر مقدم آشنا و با آنها در فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و هنری مدرسه همگام شد. از همین طریق هم با نهضت امام خمینی و فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی آشنایی پیدا کرد.

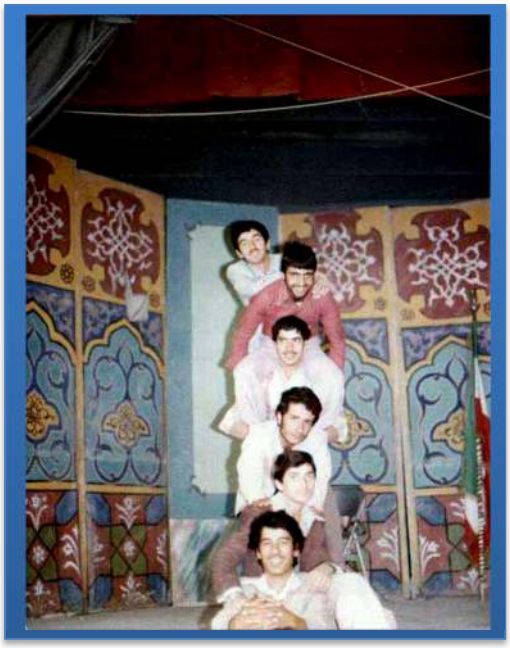

سال ۱۳۵۵ کتابخانه کوچکی در مسجد بهشت راه انداخت. در کنار آن کلاس قرآن هم برگزار شد.

محمدرضا از این راه، روی جوان‌های هم سن و سال خودش کار می‌کرد. سعی داشت آنها را به سمت مسائل اسلامی و انقلابی بکشاند.

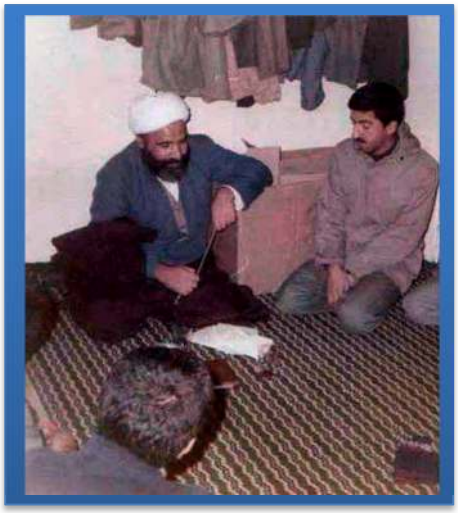

انقلاب که پیروز شد، به واسطه فعالیت‌های وسیع انقلابی‌اش برای همکاری به کمیته دفاع شهری دعوت شد.

هفته دوم سال ۱۳۵۸ بود که با چندتایی از دوستانش برای معرفی انقلاب ابتدا به جیرفت و بعد به روستایی به نام کهنوج رفتند. مدتی هم بین عشایر خوزستان و شهرکرد فعالیت داشت.

با تبدیل کمیته‌های دفاع شهری به سپاه، محمدرضا هم لباس پاسداری پوشید و در قسمت اطلاعات مشغول خدمت شد.

آذرماه سال ۵۸، با دستور حضرت امام برای شکل‌گیری بسیج، بسیج مسجد بهشت را راه انداخت. او از بنیان‌گذاران بسیج در اصفهان بود.

بعد از شکل‌گیری بسیج در کل کشور، به عنوان مسئول اطلاعات بسیج اصفهان انتخاب شد.

با درخشش محمدرضا در مبارزه با منافقین سال ۱۳۶۲ بنا به درخواست تهران، با عنوان مسئول التقاط (مبارزه با منافقین) به قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در ارومیه رفت.

از وقتی به ارومیه رفت، نامش شد منصور معزی. نسبت به بقیه، دیدگاه‌های متفـاوتی داشـت. خیلی بیشتر از سنش می‌فهمید و از وسعت دید بالایی برخوردار بود. او کارهایی را برای اولـین بار در قرارگاه پایه‌ریزی کرد که قبلاً جزء شرح وظایف آن‌ها نبود.

۱۲ آبان‌ماه سال ۱۳۶۴، هنگام سرکشی به یکی از قرارگاه‌های ارتش در ارومیه، ماشین‌شان دچار سانحه شد و محمدرضا از ناحیه پا آسیب دید.

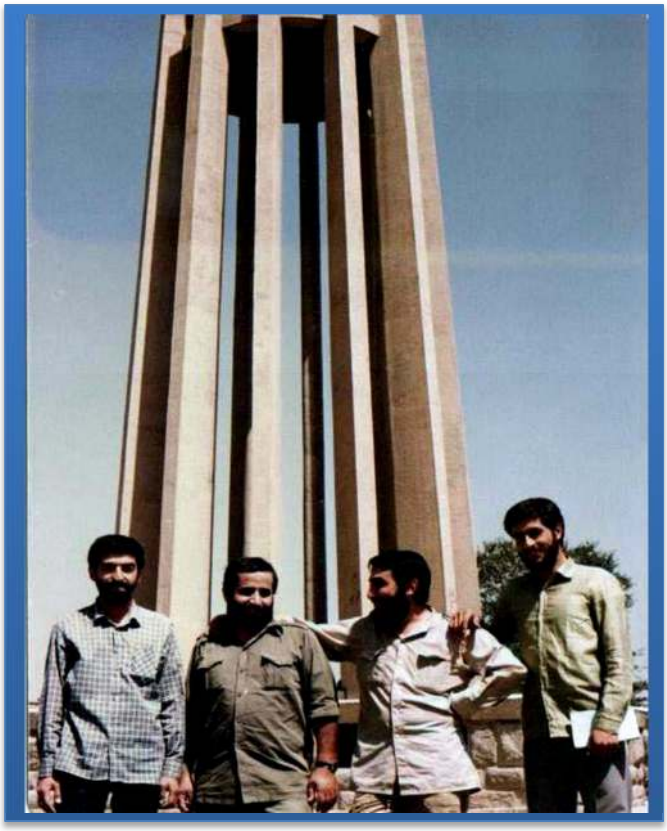

روزهای پایانی سال ۶۴ بود. هنوز پایش کاملاً خوب نشده بود که رفقایش از ارومیه آمدند، دنبالش. با همه خداحافظی کرد و رفت.

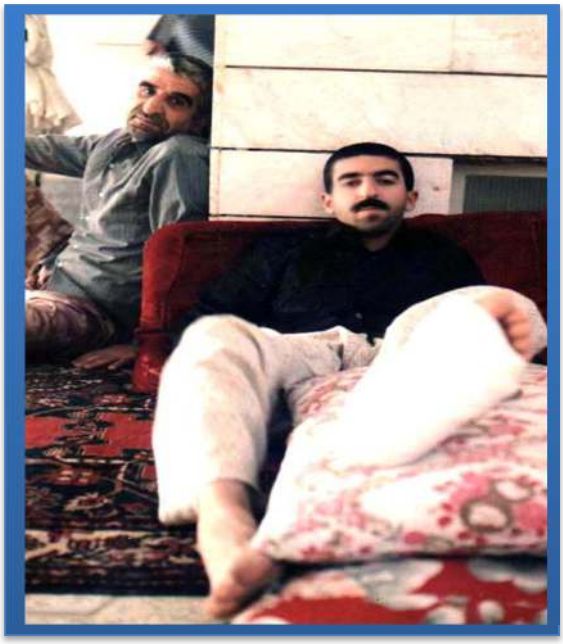

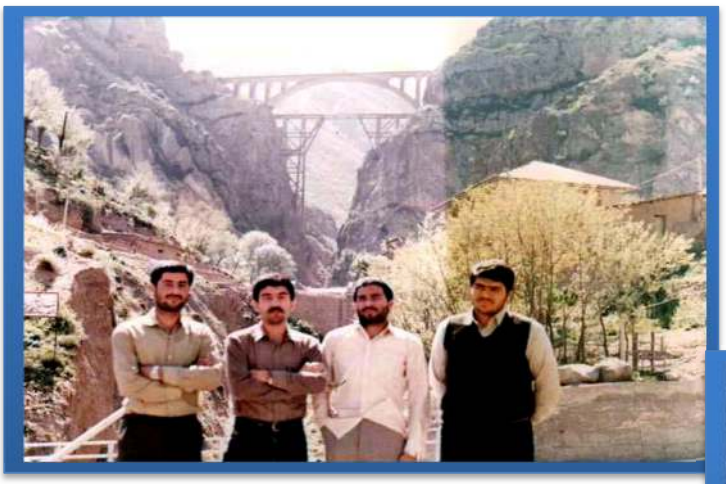
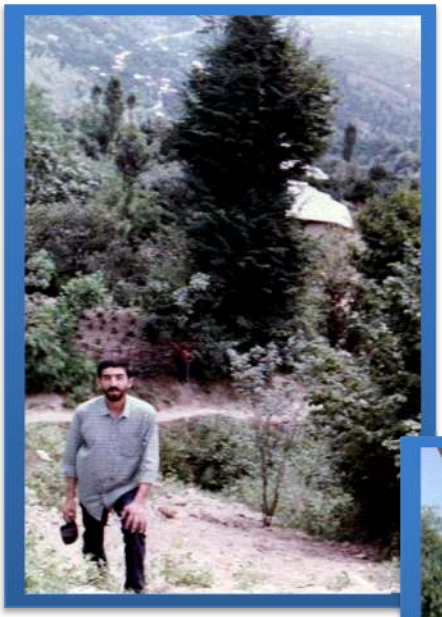
سه‌شنبه ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۶۵ در حالی که در خانه همه منتظر بازگشتش بودند، در حین مأموریتی در سقز ماشین‌شان با یک تریلی برخورد کرد و محمدرضا و مصطفی سالاری هر دو به شهادت رسیدند.